

کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با دانش بومی حفاظت؛

رویکردی برای پاسداشت میراث فرهنگی ناملموس

رضا رحیم‌نیا* ، مهران قرائتی** ، علی زمانی فرد***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۸

چکیده

دانش حفاظت و مرمت به مثابه هنر و علم حفظ و انتقال میراث گذشته به آیندگان، همواره نیازمند پایه‌های نظری است که این موضوع می‌تواند با فهم عمیق و دقیق دانش گذشته فراهم شود. علاوه بر این، مبانی نظری ملحوظ در این دانش می‌تواند به‌عنوان یک راهنمای نظری حفاظت مدنظر باشد. کمبود ابزارهای مناسب نظریه‌پردازی در رشته مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی با توجه به جوان بودن مقاطع تحصیلات تکمیلی و نظریه‌هایی که تجانس کاملی با مسائل موجود در ایران ندارند، نیاز بکارگیری روش‌های

* پژوهشگر دکتری مرمت بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه هنر اصفهان. (نویسنده مسئول).

rezarahimnia@gmail.com

** استادیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان. mehrrangharaati@gmail.com

*** استادیار گروه مرمت و احیا بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه هنر تهران. zamanifard@art.ac.ir

کیفی- تفسیری، متجانس با ماهیت کیفی آن را ایجاب کرده است. در کنار تنوع این روش‌های کیفی و با توجه به خلأ نظری موجود، میتوان روش‌های پژوهشی که این مهم را فراهم می‌کنند مدنظر داشت. از این رو "نظریه زمینه‌ای" به‌عنوان یک روش می‌تواند مورد توجه باشد؛ در حالی که مطالعات انجام شده با استفاده از روش مذکور در حوزه حفاظت چه در جهان و چه در ایران بسیار محدود هستند.

در راستای ضرورت طرح این مباحث نظری و اهمیت آنها، هدف این مقاله تبیین ویژگی‌ها و فرآیند "نظریه زمینه‌ای" به‌عنوان روش پژوهش، چگونگی استفاده از آن در مطالعات دانش بومی حفاظت و شناخت جنبه‌های کاربردی آن در این مطالعات است. این مطالعه از دو روش توصیفی- تحلیلی برخاسته از مطالعات نظری برای شناسایی نظریه زمینه‌ای و روش پیمایشی برآمده از تجربه عملی به‌کارگیری نظریه زمینه‌ای در حفاظت و مرمت بهره برده است. در نهایت نیز مراحل کلی یک مطالعه با این روش در پژوهش‌های دانش بومی حفاظت و مرمت تبیین شده است. نتیجه اینکه بررسی قابلیت‌های این روش نشان می‌دهد پژوهش‌های انجام شده با آن خواهند توانست بخش مهمی از محدودیت‌های نظری را مرتفع و می‌توان از آن به‌عنوان یک روش ارائه نظر، درک و فهم در حوزه‌های معماری و حفاظت بهره گرفت.

واژه‌های کلیدی: نظریه زمینه‌ای، دانش بومی، میراث فرهنگی ناملموس، حفاظت و مرمت

پرسش‌های پژوهش

- چگونه می‌توان از روش نظریه زمینه‌ای در مطالعات دانش بومی حفاظت (میراث فرهنگی ناملموس) بهره برد؟
- "نظریه زمینه‌ای" به مثابه یک روش تحقیق و ابزار نظریه‌پردازی در حوزه حفاظت و مرمت، از چه ویژگی‌ها و فرآیندی برخوردار است؟

مقدمه

یکی از چالش‌هایی که بعد از سال‌ها هنوز در حوزه حفاظت و مرمت و بویژه در ایران باقی است مباحث نظری مرتبط با این حوزه است. در حقیقت اتکای نظری مباحث حفاظت و مرمت با وجود این که دارای ضوابط و ساختاری است^۱، اغلب متمرکز بر نظریه‌پردازان غربی و مطالعات و نظریات آن‌هاست. این ضوابط با نگاه گروهی از محققان و در پی بیانیه‌های اجلاس‌ها، منشورها و مواردی از این دست تبیین شده‌اند. به‌ویژه وقتی بنا باشد که این توصیه‌ها یا قوانین فارغ از نگاه به بستر مکانی و زمانی و به‌صورت جهان‌شمول مطرح شوند، معمولاً با تناقضاتی روبرو خواهند شد، به‌طوری‌که برای اصلاح و اجرای هر یک از آن‌ها نیاز به تدوین یک قاعده جدید احساس می‌شود؛ تناقضاتی که با محلی شدن این ضوابط و اصول می‌توان به مقدار زیادی از آن‌ها کاست که یکی از گرایش‌های این روزهاست. این گرایش‌ها به رویکرد کیفی در مطالعات منجر شده (فلیک، ۲۰۰۶: ۱۳) و نه تنها در حفاظت و مرمت بلکه در دیگر حوزه‌ها نیز مورد توجه بوده است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۲۶؛ بازرگان، ۱۳۸۹: ۲۰). در حفاظت و مرمت، گرایش به فرهنگ بومی از اواخر قرن بیستم با کوشش‌هایی به‌منظور تضمین حفظ تنوع فرهنگی و تداوم حضور فرهنگ‌های زنده در حفاظت مدرن مورد توجه بوده است (یوکیلهتو، ۲۰۰۲: ۳۳۰). این موضوع در کشورهای گوناگون و از جمله ایران شایان توجه است^۲ و می‌تواند به‌عنوان ضرورت توجه به مباحث نظری منبعث از دانش‌های بومی مدنظر باشد. این بحث نشان از این ضرورت دارد که توجه

۱. برای نمونه نگاه کنید به: ضوابط مداخله در برخی از منشورها و بیانیه‌ها (ICOMOS, 1999, 1993) (2003)

۲. تلاش برای تدوین منشور ملی مرمت در سال ۱۳۸۹ در سازمان میراث فرهنگی ایران، مباحث و گفتگوهای متخصصان حفاظت در پایگاه رسمی www.blog.sushiant.com پیرامون تدوین منشور ملی مرمت و همچنین در برخورد با انتشار کتاب "منشور ملی مرمت" تألیف محمد منصور فلامکی نمونه‌ای از این موارد است.

به دانش بومی به‌عنوان کامل‌کننده بخشی از مباحث نظری، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. موضوعی که پرداختن بیشتر به پژوهش‌های کیفی در حفاظت و مرمت را نشان می‌دهد.

امروزه مطرح شدن موضوعات اجتماعی و جامعه‌شناسی در حفاظت و مرمت، نیاز به بهره‌گیری از سایر روش‌های کیفی متجانس با این رویکردها را نیز به دنبال خواهد داشت تا تفسیر و خوانش رخدادها و برخوردها از نگاه افراد جامعه (چه مردم و چه مجریان) مورد توجه قرار گیرد؛ موضوعی که می‌تواند روابط متقابل و داد و ستدی بین انسان، محیط و کالبد اثر میراث معماری را در یک بستر اجتماعی بشناسد. جامعه و مطالعات مرتبط با آن با توجه به تنوع واقعیات و عوامل مؤثر متفاوت، موجب می‌شود که محققان برای مطالعه و بررسی آن‌ها بخصوص زمانی که هدف آشکار کردن معانی و فهمیدن تجارب افراد باشد، به دنبال روش‌های مطالعه مناسب باشند. از این روی علاوه بر رویکردهای کمی‌گرا - که به نظر می‌رسد تعداد آن‌ها در مطالعات حفاظت و مرمت رو به افزایش است - طراحی رویکرد تفسیرگرایی کیفی می‌تواند مهم‌تر و ضروری‌تر باشد. محدود بودن تعداد پژوهش‌های نظری در حوزه حفاظت و مرمت بویژه در ایران می‌تواند یکی از شواهد این نیاز به روش‌های پژوهش مناسب باشد.

استفاده از روش‌های کیفی مثل پدیدارشناسی^۱، قوم‌نگاری^۲، اقدام پژوهی^۳، نمونه موردی^۴ و نظریه زمینه‌ای^۵ روش‌هایی هستند که می‌توانند این موضوع را محقق نمایند، روش‌هایی که در حوزه‌های نزدیک به حفاظت و مرمت مورد توجه محققان روش‌شناسی قرار گرفته‌اند.^۶ داشته‌های معماری ایرانی در کنار سنت‌ها، عادات‌ها و رسوم

-
1. Phenomenology
 2. Ethnography
 3. Action Research
 4. Case Study
 5. Grounded Theory

۶. حوزه‌های نزدیک به دانش بومی حفاظت و مرمت را می‌توان معماری، طراحی شهری و شهرسازی، دانش بومی و حتی میراث و گردشگری در نظر داشت که نمونه‌هایی از مطالعات نظریه زمینه‌ای در هر کدام موجود

پیوسته با آن می‌توانند ذیل مفهوم میراث قرار گیرند. در حوزه حفاظت و مرمت نیز بخشی از میراث موجود در این داشته‌های باارزش گذشته نهفته است که با عنوان دانش بومی یا سنتی شناخته می‌شوند. این دانش‌ها که بخشی از میراث ناملموس حفاظت نیز محسوب می‌شوند، بویژه در پی توجه جهانی به این موضوع در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند.^۱

دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر اجتماع و دربرگیرنده باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و آگاهی‌های محلی مردم است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۱). همچنین قرین با فرهنگ هر منطقه بوده، در طول سالیان دراز توسعه و تکوین یافته و تحت تأثیر عوامل متفاوت متأثر از جامعه شکل گرفته است (بوذرجمهری، ۱۳۸۲: ۷). این داشته‌ها، باورها، مهارت‌ها، ابزارها و روش‌های یک گروه اجتماعی یا ملت، نمونه‌ای شاخص از میراث ناملموس بشری شناخته می‌شود که در ایران نیز نمونه‌های خوبی از آن‌ها موجود است. مطالعات مرتبط با این میراث و هدف نهایی آن‌ها که فهم پیچیدگی‌های ناشناخته جوامع سنتی و ارزش‌های سنتی است، روش‌های پژوهش متناسب با خود را برای دستیابی به این هدف طلب می‌کند؛ هدفی که به نظر می‌رسد می‌تواند با نظریه زمینه‌ای محقق شود.

از این روی، در راستای درک چیستی و چگونگی و همچنین شناخت ویژگی‌ها، صفات و ماهیت نظریه زمینه‌ای از یک طرف و همچنین تشریح و تبیین دلایل این

است. بخشی از این مطالعات تجربه‌هایی اولیه یا کامل است که در قالب این روش‌ها انجام شده‌اند (عباسی هرته، ۱۳۹۲؛ لک و غلامپور، ۱۳۹۴؛ لک، ۱۳۹۴) (Daengbuppha, Hemmington, and Wilkes 2006) و گروهی نیز مقالاتی است که محققین در راستای کارکرد این روش در حوزه پژوهشی خود ارائه داده‌اند. به‌عنوان نمونه آژاده لک (۱۳۹۳) در حوزه طراحی شهری و هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۰) در حوزه دانش بومی به کاربرست نظریه زمینه‌ای در حوزه پژوهش خود پرداخته و محل‌های کارکرد آن را موردتوجه قرار داده‌اند.

۱. برای نمونه نگاه کنید به: (سمساریزدی و پویا، ۱۳۸۳؛ روحانی و فردانش، ۱۳۸۸؛ پیشوا یزدی، ۱۳۹۰؛ رحیم نیا و دیگران، ۱۳۹۲).

چرایی و چگونگی و بررسی ابعاد آن، از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است. همچنین در بحث تجربه عملی، بکارگیری این روش در یک مطالعه حفاظت و مرمت و ارائه تجارب حاصل از آن در مقاله، از روش پیمایشی بهره گرفته شده است که به شناخت صفات، ویژگی‌ها، عقاید و نگرش‌های افراد جامعه در برخورد با مسائل (در این مقاله مباحث مرتبط با دانش بومی حفاظت) می‌پردازد (حافظنیا، ۱۳۸۹: ۶۹-۷۲). با توجه به مباحث مطرح شده و همچنین محدود بودن پژوهش‌های انجام شده به روش نظریه زمینه‌ای در حوزه حفاظت و مرمت، تلاش شده است با معرفی نظریه زمینه‌ای و ساختار آن و همچنین ارائه فرآیند و مثال‌های کاربردی، جوانب متفاوت نسبت به کاربرد این روش در مطالعات حفاظت و مرمت تبیین شود. پس بویژه مباحث مرتبط با میراث فرهنگی ناملموس در آن مورد تأکید بیشتر قرار گرفته تا مقدمه‌ای برای فهم عمیق‌تر از دانش موجود در این حوزه باشد.

۱- نظریه زمینه‌ای؛ چیستی و چرایی:

نظریه زمینه‌ای، که به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی شناخته می‌شود به کشف و تبیین فرآیندهای اجتماعی می‌پردازد که در تعاملات انسانی جلوه می‌کند و به سبب نظریه‌پردازی درباره فرآیندهای اجتماعی، از دیگر روش‌های کیفی که به توصیف پدیده‌ای خاص می‌پردازند، متمایز است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸: ۴۴؛ بیرکس و میلز، ۲۰۱۱: ۲۸؛ بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۰۸). این روش از جمله روش‌هایی است که برای پژوهشگرانی که قصد شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی افراد در یک موقعیت خاص را دارند کاربردی و بخصوص وقتی مناسب است که نظریه‌ای را تدوین یا تعدیل نماید

(بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۲۲). این روش با به‌کارگیری روش‌های متعدد^۱ و چندگانه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و امکان رفت‌وبرگشت زیاد بین تحلیل و گردآوری داده‌ها تلاش می‌کند تا شناخت نظری دقیقی از پدیده مورد مطالعه برای تحقیق فراهم آید^۲. در این روش پژوهشگر در پی آن است که فارغ از ارائه باورها و تصورها، اجازه دهد که شرایط طبیعی محیط، داده‌ها را تعیین کند و سپس نظریه از درون داده‌ها تکوین یابد (گروت و وانگ، ۲۰۰۲: ۱۸۰). آن‌گونه که مهرابی و همکاران (۱۳۹۰) اشاره می‌کنند برای این روش در زبان فارسی معادل‌هایی مثل «نظریه مبنایی»، «تحقیق مبنایی»، «نظریه داده بنیاد»، «نظریه زمینه‌ای»، «تئوری مفهوم‌سازی بنیادی»، «متدولوژی رویش نظریه‌ها»، «نظریه بنیادی» و «گراند تئوری» ارائه شده است؛ که در این مقاله اصطلاح «نظریه زمینه‌ای» مورد کاربرد قرار گرفته است.

این روش یکی از روش‌هایی است که می‌تواند به مثابه پلی بین دو پارادایم گذشته و آینده نقش اساسی ایفا کند (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۲۴) همان‌گونه که این ارتباط بین گذشته حفاظت و مرمت و امروز می‌تواند مورد توجه باشد. آن‌گونه که منصوریان (۱۳۸۶) اشاره می‌کند نظریه زمینه‌ای عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری‌شده، به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در

۱. برای انجام تحقیق به روش تئوری یا نظریه داده بنیاد سه طرح یا شیوه متفاوت: سیستماتیک (۱۹۹۰)، نوحواسته (Emerging) (Glaser, 1992) و سازاگرا (Constructivist) (Charmaz 2000) مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۹۶).

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره این روش نگاه کنید به: (گروت و وانگ، ۲۰۰۲: ۱۸۰-۱۸۲؛ هومن، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۷؛ فلیک، ۲۰۰۶: ۳۲۸-۳۴۱؛ بازرگان، ۱۳۸۹: ۹۲-۱۲۷؛ مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰؛ منصوریان، ۱۳۸۶؛ هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰؛ ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴) و همچنین (Glaser Glaser and Strauss 1967, Birks and Mills 2011, Strauss and Corbin 1997, 1995).

زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند. در این روش تأکید بر مصاحبه و مشاهده برای تولید داده‌های تجربی، جذب محقق در میدان، جلب اعتماد افراد مورد مطالعه و به‌کارگیری هرگونه روش مناسب برای گردآوری اطلاعات است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۱۶) که به‌عنوان اصل‌هایی در فرآیند دستیابی به داده‌های پژوهش باید قویاً مورد توجه قرار گیرند.

در این روش این امکان برای پژوهشگر فراهم می‌شود تا با بررسی داده‌های گردآوری شده آن‌ها را تبدیل به گداه، مفاهیم، مقولات و درنهایت ارائه ارتباط بین آن‌ها با عنوان یک پارادایم نماید. این روش این قابلیت را دارد که به‌جای آنکه به اثبات نظریه‌های موجود بپردازد، با شناخت واقعیت موجود در هر جامعه نظریه‌های جدیدی منطبق با آن جامعه خلق نماید (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۴۰). اگرچه برخی معتقدند این روش از رویکرد استقرایی به‌تنهایی بهره می‌گیرد و آن را به‌عنوان نقطه‌ضعف این روش می‌دانند ولی کوربین و استراوس (۲۰۰۸: ۳۶۶) تأکید دارند که این روش یک رویکرد استقرایی^۱ - قیاسی^۲ دارد. این موضوع از این جهت حائز توجه است که به نظر می‌رسد نیاز است مباحث تفسیری و داشته‌های محقق در پژوهش مورد توجه باشند^۳. با توجه به این که یافته‌های این روش از داده‌ها منشأ می‌گیرد بالطبع

1. Inductive reasoning

2. deductive reasoning / logical deduction

۳. منظور این که علاوه بر مباحثی که با عنوان حساسیت نظری در نظریه زمینه‌ای مطرح می‌شود، در برخی موارد عدم شناخت افرادی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند یا تفاوت در داده‌هایی که از اسناد و متون استخراج شده‌اند، با برخی از واژگان، اصطلاحات و اهدافی که مدنظر محقق است وجود دارد. همچنین در پژوهش‌های امروزی مباحث حفاظت در کنار مباحث دانش بومی و میراث ناملموس قابل توجه‌اند. به همین منظور نیاز خواهد بود علاوه بر رویکرد استقرایی، نتایج حاصل با رویکردی قیاسی نیز مدنظر و ارتباطشان با یافته‌های حاصل از داده‌ها مورد توجه باشد.

کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با ... ۱۵۱

رویکردی استقرایی خواهد داشت و از آن جهت که مفاهیم و بیانات توسط محقق از این داده‌ها ساخته می‌شوند ارتباطی تفسیری داشته و رویکردی قیاسی خواهند داشت. از آنجاکه محقق کاملاً با ذهن سفید و خالی وارد مطالعه نمی‌شود تفسیرهای ارائه شده به گونه‌ای استنتاج‌ها یا انتزاع‌های محقق است درباره آنچه داده‌ها اشاره می‌کنند.

در این روش محقق کار خود را با مشاهده و مصاحبه شروع می‌کند و سپس الگوها و مضامین یا مقوله‌های عام را از آن‌ها استخراج می‌کند. پس از این مرحله به مدد روش‌های تفسیری، نظریه‌ها تولید و ارائه می‌شوند. از این رو با توجه به ماهیت این روش می‌توان آن را به مثابه یک ابزار جهت شناخت ارزش‌ها، مهارت‌ها و به‌طور کلی دانش بومی جامعه مورد استفاده قرارداد. یکی از مباحثی که مورد توجه است این است که گلاسر و استراوس (Glaser and Strauss, 1967) در توجیه و توضیح این روش شرح می‌دهند که پدیدار شدن تئوری که بر پایه داده‌ها گذاشته شده، معمولاً نمی‌تواند کاملاً رد شود و ممکن است با داده‌های بیشتر تنها اصلاح و یا تغییر پیدا کند. موضوعی که می‌تواند اطمینان خوبی برای انجام یک مطالعه نظریه زمینه‌ای باشد.

۱-۱- پیشینه و گرایش‌ها:

در سال ۱۹۶۷ پس از اتمام پژوهشی با عنوان "بررسی و مطالعه تجربه مردن" گلاسر^۱ و استراوس^۲ (۱۹۶۷) کتاب "اکتشاف تحقیق مبنایی"^۳ را منتشر کردند^۴ و

1. Barney G. Glaser (1930)
2. Anselm Leonard Strauss (1916–1996)
3. The Discovery of Grounded Theory

۴. در سال ۱۹۶۰، آنسلم استراوس به دانشکده پرستاری دانشگاه کالیفرنیا ملحق شد. کمی بعد از این انتصاب، گروه علوم رفتاری و اجتماعی در این دانشکده تأسیس و استراوس به‌عنوان مدیر رسمی این گروه منصوب شد. در سال ۱۹۶۱ استراوس توانست بورس انجام یک مطالعه ۴ ساله با موضوع "بررسی و مطالعه تجربه

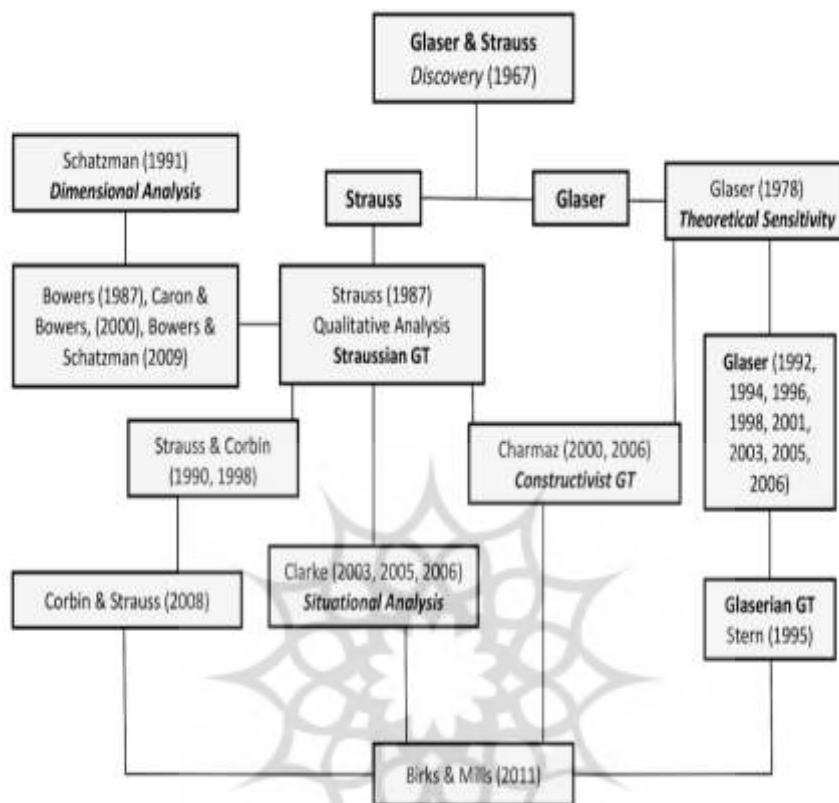
پس از آن روز به روز بر محبوبیت نظریه زمینه‌ای به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی افزوده شد (بیرکس و میلز، ۲۰۱۱: ۱۰). در ادبیات تحقیق کیفی، گلاسر و استراوس را به‌عنوان نسل اول نظریه‌پردازان تحقیق مبنایی به حساب می‌آورند. این دو نفر اقدام به ایجاد فضایی آموزشی، چالشی و حمایتی در دانشگاه کالیفرنیا کردند؛ محیطی که در آن افرادی پرورش یافتند که اکنون به‌عنوان نسل دوم نظریه‌پردازان^۱ تحقیق مبنایی شناخته می‌شوند (Morse et al. 2009). آن‌ها تفاسیر خود را از روش‌های تحقیق مبنایی گلاسر و استراوس ارائه و در کارهای خود از آن‌ها به‌عنوان سکوی پرتاب بهره بردند. در همین راستا کتاب‌هایی چه از نسل اول و چه دوم نیز منتشر شدند که به‌عنوان منابع اصلی و مرجع نظریه زمینه‌ای شناخته می‌شوند.^۲ در پی انتشار اولین کتاب در این حوزه، توسعه این روش تا به امروز در حوزه علوم گوناگون مورد توجه قرار گرفته و آنچه در تصویر شماره ۱ ارائه شده است روند توسعه و گسترش این روش از ابتدای ایجاد تا سال ۲۰۱۱ را نمایش می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مردن" را کسب کند و در همین زمان بارنی گلاسر که دوره دکتری خود را در دانشگاه کلمبیای نیویورک به پایان رسانده بود در گروه پژوهشی این مطالعه به کار گرفته شد؛ در طی انجام این مطالعه بود که روش‌های تحقیق مبنایی فعلی شکل گرفت.

۱. برای نمونه از این نظریه‌پردازان نسل دوم نگاه کنید به: (Clarke, 2005, Bowers Charmaz, 2006), (and Schatzman, 2009)

۲. برای اطلاع از این منابع نگاه کنید به (بیرکس و میلز، ۲۰۱۱: ۱۲).



تصویر ۱- شجره‌نامه نظریه مبنایی: نقاط عطف

با تجدیدنظر و اضافات (Morse et al. 2009, 17)

همان‌طور که در تصویر مشخص است دو گرایش عمده در نظریه زمینه‌ای به دو محقق و پایه‌گذار این روش بازمی‌گردد. گرایش گلاسر^۱ و گرایش استراوس^۲ که بعد از ارائه اولیه روش، هر کدام نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی را برای توسعه این روش برگزیده‌اند. در جدول شماره ۱ نیز مقایسه این دو گرایش مدنظر قرار گرفته و وجوه افتراق آن‌ها معرفی شده است. با دقت در مقایسه ارائه شده و با توجه به اهداف کلی و

1. Glaserian Grounded Theory
2. Strussian Grounded Theory

زمینه‌های مدنظر در پژوهش‌های دانش حفاظت، به نظر می‌رسد اگر قرار باشد یکی از این گرایش‌ها برگزیده شوند، مکتب استراوس همخوانی بهتری داشته و در نتیجه مطالعات در این حوزه بهتر است با تکیه بیشتر بر مکتب فکری استراوس شکل بگیرند. دلیل این همخوانی در مقایسه دو مکتب قابل تشخیص است. به‌عنوان نمونه در مطالعات دانش بومی حفاظت، برخی مواقع یک ایده کلی برای آغاز پژوهش در نظر است (ردیف ۱)، یا این که برخی از داده‌های استخراج شده نیاز به تفسیر دارند (ردیف ۵) و نمی‌توان آن‌ها را بدون تفسیر مورد بحث و استناد قرار داد.

جدول ۱- مقایسه دو گرایش نظریه زمینه‌ای، گلاسر و استراوس
(Jones and Alony 2011)

مکتب استراوس / Straussian School	مکتب گلیزر / Glaserian School	ردیف
داشتن یک ایده کلی از موضوع برای آغاز	(شروع با یک هیجان عمومی - یک ذهن خالی)	۱
تقویت تئوری با پرسش‌های سازمان‌یافته (بنیادی یا ساختاری)	ظهور تئوری با پرسش‌های خنثی	۲
توصیف مفهومی (تشریح یک موقعیت)	توسعه یک نظریه مفهومی	۳
حساسیت نظری ناشی از روش‌ها و ابزارها	حساسیت نظری (توانایی درک متغیرها و روابط) ناشی از تأمل در داده‌ها	۴
تئوری تفسیر شده توسط یک ناظر	تئوری بر اساس داده	۵
تأیید نظریه ناشی از دقت روش	تأیید یا تغییر نظریه برگرفته (مشتق) از مبانی داده	۶
نیازی نیست فرآیندهای اجتماعی پایه مشخص شده باشد	باید فرآیند اجتماعی پایه مشخص شده باشد	۷

۸	محقق مؤثر است	محقق بی‌اراده است، نمایش محدودیت علمی
۹	داده ساختاریافته تا نظریه را آشکار کند.	داده نظریه را آشکار می‌کند.
۱۰	کُدگذاری بسیار دقیق و با تکنیک تعریف می‌شود. مقایسه طبیعی با تنوع با تکنیک کُدگذاری. برچسب‌ها محتاطانه در طول زمان شکل می‌گیرند. کُدها مشتق از تحلیل‌های ریزی هستند که شامل تحلیل داده‌ها به صورت کلمه به کلمه است.	کُدگذاری چندان جدی نیست. یک مقایسه مداوم رویداد به رویداد با پرسش‌های خنثی و دسته‌بندی ویژگی‌های در حال تحول. مراقب باشید به مفهوم‌پردازی نپرداخته و کلمات کلیدی را مشخص کنید.
۱۱	سه نوع کُدگذاری، باز (شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و توصیف پدیده‌ها) محوری (روند مرتبط کردن کُدها به یکدیگر) و انتخابی (انتخاب یک دسته اصلی و ارتباط با دسته‌های دیگر برای آن)	دو نوع کُدگذاری، ساده (تجزیه داده‌ها و سپس دسته‌بندی مفهومی)؛ اساسی (باز یا انتخابی، برای فراهم کردن طبقات و ویژگی‌های آن‌ها)
۱۲	توسط برخی به‌عنوان فرمی از تحلیل کیفی داده‌ها مورد توجه قرار گرفته	توسط برخی فقط به‌عنوان یک حقیقت مورد توجه قرار گرفته

از طرف دیگر اما نگرش‌های امروزی نظریه زمینه‌ای نگاهی به انتخاب یکی از این زمینه‌ها نداشته و محققان نظریه زمینه‌ای در برخی موارد نگاهی متعادل به این گرایش‌ها داشته و با ارائه روش‌های میانجی درصد برآمده‌اند از تمام ظرفیت‌های ایجادشده توسط محققان بهره بگیرند که نتیجه‌های خوبی نیز از آن‌ها حاصل شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۲ مرور خواهد شد، مطالعات محققان نظریه زمینه‌ای از گذشته تا به امروز نیز به خوبی گویای این مورد است. بررسی و نقد نظرات مرتبط و همچنین آنچه در این بخش ارائه شد نشان می‌دهد که نگرش‌های متنوع که در پی توسعه این روش تا به امروز گسترش یافته‌اند با این که در بازه‌ای از زمان، مستقل از

هم پیش رفته‌اند اما می‌توانند نگاهی جامع نیز داشته باشند. همانطور که بیرکس و میلز (۲۰۱۱: ۱۲) نیز اشاره می‌کنند، می‌توان نگاهی متعادل که همپوشانی کافی برای مباحث تمام پژوهشگران این روش را داشته باشد مدنظر قرار داد و موارد صرفاً سیاه‌وسفید را که معمولاً اندک هستند متعادل‌تر نگریم و از آن‌ها در پیشبرد نظریه زمینه‌ای بهره برد. این موضوع وقتی بیشتر مورد توجه است که جنبه‌های مثبت این تنوع‌ها را بتوان در قالب یک ساختار مورد کاربرد قرار داد.

۲-۱- مفاهیم اصلی نظریه زمینه‌ای

روش نظریه زمینه‌ای دارای پایه‌ها و ساختاری است که شناخت آن‌ها پیش‌نیاز انجام یک مطالعه با این روش خواهد بود. شناخت گدها، مفاهیم و مقولات کلیات اولیه هستند که واحدهای بنیادی تحلیل داده را شکل می‌دهند. یعنی بر اساس قیاس و پرسشگری ابتدا نکات کلیدی از واحدهای معنادار متن استخراج و برای هر نکته یک "گد"^۱ تعیین می‌شود. سپس با مقایسه گدها، چند گد که اشاره به جنبه مشترکی از یک مفهوم دارند با یکدیگر ترکیب شده و عنوان یک "مفهوم"^۲ را به خود می‌گیرند. سطح بعدی زیر مقولات و مقولات هستند که نسبت به آنچه در مفاهیم اشاره شده مفاهیم انتزاعی‌تر و در سطح بالاتر را تشکیل می‌دهند. منظور این که از کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم، یک "زیر مقوله"^۳ و در مرحله بعد "مقوله"^۴ تشکیل می‌شود. این مقولات شالوده‌های تدوین نظریه‌اند و ابزاری را فراهم می‌کنند که بتوان نظریه را انسجام بخشید. این موارد در قالب چند مرحله انجام می‌پذیرند که در بخش‌های دیگر مقاله (بخش رویه تجزیه و تحلیل داده‌ها) مفصلاً به آن‌ها پرداخته خواهد شد. همچنین مباحثی مثل خلق، گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها، یادداشت‌برداری، نمونه‌گیری نظری،

-
1. Code
 2. Concept
 3. Sub-Category
 4. Category

تحلیل‌های مقایسه‌ای دائم و حساسیت نظری در این روش قابل توجه‌اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است:

الف - حساسیت نظری: اولین اشارات نسبت به حساسیت نظری توسط گلاسر و استراوس (Glaser and Strauss, 1967) انجام شد که آن را با عنوان مفهومی دوبخشی تشریح کردند: اول این که، سطح حساسیت نظری کاملاً شخصی است و به بینش محقق نسبت به خود و حوزه‌ای که در حال پژوهش است بازمی‌گردد، دوم این که سطح حساسیت نظری یک پژوهشگر بازتابی از سابقه ذهنی و فکری وی است که از درک وی حاصل شده است. از این‌روی مطالعات اولیه در قالب پیشینه پژوهش درباره موضوع در جهت دستیابی به این حساسیت نظری قبل از شروع یک پژوهش نظریه زمینه‌ای مورد تأکید است. البته در این موضوع اختلاف نظر بین دیدگاه گلاسر و استراوس وجود دارد که در جدول شماره ۱ به آن‌ها پرداخته شد.

ب- نمونه‌گیری نظری: شبیه نمونه‌گیری هدفمند^۲ است و همزمان با مراحل انجام نظریه زمینه‌ای پیش می‌رود (جلالی ۱۳۹۱، ۳۱۴). پژوهشگر با استفاده از نمونه‌گیری نظری سعی می‌کند بر تحلیل‌های مقایسه‌ای دائم داده‌ها متمرکز و آن‌ها را تغذیه کند. در طول این فرآیند، نیاز به اطلاعات بیشتر جهت اشباع مقوله‌های تحت توسعه، ضرورت دارد و بخصوص زمانی که قصد دریافت اطلاعات بیشتری نسبت به موضوع احساس شود ضروری است. در این نمونه‌گیری پژوهشگر همزمان که تئوری تکامل می‌یابد نمونه‌ها را انتخاب می‌نماید.

ج- خلق، گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها: آنچه در یک پژوهش نظریه زمینه‌ای اساسی قلمداد می‌شود، فرآیند خلق یا گردآوری داده‌ها و تحلیل همزمان آن‌هاست. داده‌های حاصل از رویارویی‌های اولیه با منابع (شرکت‌کنندگان یا منابع) در تحقیق، قبل از آنکه داده‌های بیشتری جمع‌آوری یا خلق شوند، گدگداری می‌شوند و این موضوع

-
1. Theoretical sampling
 2. Purposive sampling

وجه افتراق نظریه زمینه‌ای از دیگر طرح‌های پژوهشی است که در آن‌ها پژوهشگر ابتدا داده‌ها را جمع‌آوری و سپس به تحلیل آن‌ها می‌پردازد.

د- اشباع نظری^۱: اصطلاحی است که برای توصیف معیار توقف نمونه‌گیری نظری و حجم جامعه آماری معرفی شده است. اشباع نظری زمانی رخ می‌دهد که کُد جدیدی در مراحل نهایی جمع‌آوری داده‌ها که متعلق به دسته مشخصی باشد، شناسایی نشده و دسته‌ها از نظر مفهومی به خوبی توسعه‌یافته باشند (بیرکس و میلز، ۲۰۱۱: ۱۳۲).

ه- یادداشت‌برداری: به یادداشت‌ها، "سرمایه فکری"^۲ در بانک داده‌ها^۳ گفته می‌شود (Clarke, 2005: 85). آن‌گونه که بیرکس و میلز (۲۰۱۱: ۲۱) اشاره می‌کنند در واقع یادداشت‌ها، افکار مکتوب محقق در طول فرآیند انجام یک مطالعه مبتنی بر نظریه زمینه‌ای هستند و به همین سبب ممکن است این یادداشت‌ها از نظر موضوع، غنی بودن، پیوستگی، محتوای نظری و سودمندی برای محصول نهایی با هم متفاوت باشند. یادداشت‌برداری به‌عنوان یک فعالیت مستمر برای نظریه‌پردازان نظریه زمینه‌ای شناخته می‌شود، به‌طوری‌که از مراحل اولیه برنامه‌ریزی تا پایان یک مطالعه پژوهشی، نگارش می‌شوند. نوشتن این یادداشت‌های نظری مستلزم رعایت شعار "هر مرحله توقف کن و یادداشت کن"^۳ است.

و- تحلیل‌های مقایسه‌ای دائم: بخشی از فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل همزمان آن‌ها، مقایسه دائم هر رخداد با رخداد دیگر است. این مقایسه‌ها همان‌طور که استراوس و کوربین (۲۰۰۸: ۳۶۶) نیز اشاره کردند همان بخش قیاسی مربوط به نظریه زمینه‌ای است. هر رخداد با کُدها، هر کُد با کُد دیگر و با مقوله‌ها، و هر مقوله با مقوله دیگر مقایسه می‌شوند که از نظر بیرکس و میلز (۲۰۱۱: ۲۲) به این عمل تحلیل

-
1. Theoretical saturation
 2. Intellectual capital
 3. Stop and memo

مقایسه‌ای دائم می‌گویند که تا لحظه‌ای که نظریه زمینه‌ای به طور کامل یکپارچه شود، ادامه خواهد یافت.

۲- کاربرد نظریه زمینه‌ای در مطالعات دانش حفاظت و مرمت

در کنار مباحث ارائه شده، یکی از سؤالاتی که پیش می‌آید این است که "چه زمانی نظریه زمینه‌ای برای یک پژوهش مناسب است". بیرکس و میلز (Birks and Mills, 2011: 16) در این باره اشاره می‌کنند که سه موقعیت برای بهره از روش نظریه زمینه‌ای شاخص هستند: اول این که وقتی اطلاعات کمی درباره حوزه مورد مطالعه وجود داشته باشد، دوم این که خلق یک نظریه با قدرت تبیین و توضیح پدیده، نتیجه و مدنظر محقق باشد و سوم این که یک فرآیند در طرح تحقیق و موضوع مطالعه (نه تنها یک فرآیند زمانی) وجود داشته باشد. همچنین مارشال و راس من (۱۹۹۵: ۶۲) اشاره می‌کنند که از این روش می‌توان برای بررسی تجارب گروه‌ها، افراد و همچنین تحقیقی که متغیرهای ذی‌ربط آن هنوز ناشناخته مانده‌اند استفاده نمود. دقت در مباحث دانش بومی حفاظت نشان می‌دهد که همگی این موارد در این دانش وجود دارند و می‌توانند مدنظر قرار گیرند. از این روی جنبه‌های شاخص نظریه زمینه‌ای که اشتراکاتی با حوزه دانش بومی حفاظت دارند قابل بحث هستند.

شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی افراد در یک موقعیت خاص که مورد تجزیه و تحلیل کافی قرار نگرفته است (Birks and Mills, 2011: 94) و یا درک جهان افراد از زاویه دید خودشان (Birks and Mills, 2011: 16) یکی از موضوعاتی است که در قالب کاربرد نظریه زمینه‌ای اشاره شده است. این موضوع علاوه بر استخراج مدل‌های نظری از دیدگاه افراد می‌تواند با درک کامل آن‌ها ساختاری نظری را استخراج نماید. بویژه در شناخت دیدگاه متخصصان، تجربه‌داران، مدیران و تصمیم‌گیران حفاظت و مرمت این روش قابل کاربرد بوده و به خوبی می‌تواند گرایش‌های شاخص حفاظت و مرمت از دیدگاه افراد را تبیین نماید. موضوع دیگری که در کاربرد این روش اشاره

شده شناخت، کشف و تبیین فرآیندهای اجتماعی است که در دل یک عمل وجود دارند و می‌تواند در قالب نظریه ارائه شود (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۲۲). این موضوع بخصوص در دستیابی به مبانی نظری مرتبط با فرآیند، شاخص هستند. در حفاظت و مرمت با وجود فرآیندهایی که در دل فعالیت‌های مداخلاتی وجود دارند و یا پروسه‌هایی که برای یک اقدام حفاظتی صورت می‌پذیرفته است نمونه‌های خوبی برای پرداختن از این منظر وجود دارد.

همچنین اشاره شده است که این روش می‌تواند پلی بین دو پارادایم گذشته و آینده باشد (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۲۴). این رویکرد می‌تواند در جهت تفسیر تجارب دیروز برای بهره در امروز مورد استفاده باشد. دانش‌های گذشته افراد و تجربیات صورت پذیرفته توسط حفاظت‌گران و بررسی و ایجاد ارتباط آن‌ها با امروز از مواردی هستند که در قالب این روش می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. تأکید بر مصاحبه و مشاهده و جذب اعتماد افراد در گردآوری اطلاعات نیز یکی دیگر از مواردی است که در این روش مورد توجه است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۱۶). منابع دانش بومی در حفاظت و مرمت در سه دسته اسناد تاریخی و منابع مکتوب، آثار معماری و اشیا تاریخی و منابع شفاهی قابل دسته‌بندی هستند. مصاحبه و مشاهده دو دسته اصلی از این منابع (شفاهی و آثار معماری) را در برمی‌گیرند که برای مطالعه با این روش می‌توانند مدنظر باشند.

در کل از نظریه زمینه‌ای می‌توان برای بررسی نظرات متخصصین و باتجربه‌ها، مبانی نظری حفاظت و مرمت، بررسی فرآیند در حفاظت و مرمت و مبانی نظری مرتبط با آن‌ها و همچنین بهره‌گیری از تجربیات گذشته برای امروز بهره برد؛ موضوعاتی که هر کدام ضرورت‌هایشان در حفاظت و مرمت به چشم آمده و دانش بومی پاسخگوی خوبی برای آن‌ها هستند. آنچه در ادامه ارائه شده است تلاش می‌کند تا به تفصیل روش نظریه زمینه‌ای را در یک مطالعه مرتبط با دانش بومی حفاظت، به شکل کاربردی مورد دقت نظر قرار دهد. با توجه به این که شناخت مفاهیم اولیه پیش‌نیاز این بحث هستند

مباحث پیشین به‌عنوان مقدمه ارائه و در ادامه به‌صورت کاربردی به استفاده از این روش پرداخته خواهد شد.

۲-۱- پرسش در یک مطالعه نظریه زمینه‌ای

در روش نظریه زمینه‌ای که یک روش هدف محور است قصد آزمون فرضیه‌ای نیست بنابراین موضوع پژوهش کلی و شناخت جوانب و کارکردهای متفاوت نسبت به یک موضوع مدنظر پژوهشگر است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۳۶). سؤالاتی که در نظریه زمینه‌ای مطرح می‌شوند عموماً سؤالات کلی و باز هستند که با پرسش "اینجا چه می‌گذرد؟" آغاز می‌شوند (بیرکس و میلز، ۲۰۱۱: ۳۴؛ لک، ۱۳۹۳: ۱۰). سؤالات مدنظر معمولاً منبعث از یک سؤال اصلی هستند که موضوع پژوهش را مشخص تر می‌کند؛ سؤالاتی که به چگونگی فرآیند یک موضوع، ابعاد متفاوت آن و یا مواردی از این دست می‌پردازند^۱.

۲-۲- گردآوری و تنظیم داده‌ها (جمع‌آوری داده‌ها)

نظریه زمینه‌ای روشی استقرایی-قیاسی است و به همین منظور در رویکرد استقرایی با گردآوری دقیق داده‌های کیفی به ساخت نظریه بر مبنای داده‌های حاصل شده می‌پردازد. درواقع این روش با نظریه آغاز نمی‌شود بلکه با زمینه مطالعاتی آغاز و پس از گردآوری، به نظریه‌های مرتبط اجازه می‌دهد تا در این زمینه پدیدار شوند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۹۳). منابع گردآوری داده‌ها در نظریه زمینه‌ای می‌توانند متنوع باشند (متون، تصاویر، مصاحبه‌ها و یا مشاهده قوم‌نگارانه) اما بهترین نوع داده، داده‌های

۱. به‌عنوان نمونه دو پرسش "محیط مسکونی توسط ساکنان چگونه ادراک می‌شود و چه معنایی دارد؟" و همچنین "مبناهای حاکم در نزد معماران بومی برای مداخله در آثار معماری خاکی چه بوده‌اند؟" برگرفته از دو مطالعه انجام شده به روش نظریه زمینه‌ای هستند.

حاصل از مصاحبه و مشاهده هستند که در حفاظت و مرمت بسیار غنی هستند. در مرحله گردآوری داده‌ها، نمونه‌گیری به صورت نظری و هدفمند صورت می‌پذیرد و تا مرحله‌ای ادامه می‌یابد که اشباع نظری اتفاق بیفتد (بیرکس و میلز، ۲۰۱۱: ۱۳۲؛ بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۱۳). این بدین معنی است که تعداد شرکت‌کنندگان و یا مشارکت‌کنندگان در مصاحبه دارای عدد مشخصی نیست و این تعداد بسته به پیشرفت پژوهش می‌تواند تغییر پیدا کند که از آن با عنوان اشباع نظری یاد می‌شود.

بهترین روش گردآوری داده‌ها در نظریه زمینه‌ای مصاحبه با منابع دانش شفاهی است (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۱۱) که نمونه‌های خوبی در حفاظت و مرمت از آن‌ها وجود دارد. این مصاحبه‌ها نیمه‌ساختاریافته^۱ یا عمیق^۲ هستند که با پرسشنامه حاوی سؤالات باز و با رابطه رودر رو (گفتگو) انجام می‌پذیرند. مصاحبه شرایطی برای بیان تجربه‌های شخص در یک موضوع خاص است که با زبان خودش بیان می‌شود و می‌تواند به عمق آن موضوع برسد. البته بهتر است به جای واژه مصاحبه از گفتگو استفاده شود و شاید حتی بهتر باشد این گفتگوها نیز در قالب گروه‌های بالاتر از دو نفر و در چند مرحله انجام پذیرند، موضوعی که می‌تواند برخی از ضعف‌های مصاحبه‌های دونفره که استربرگ (۲۰۰۲: ۱۰۴) به آن‌ها اشاره می‌کند را رفع نماید. این نکته در یک مطالعه با نظریه زمینه‌ای که توسط نگارنده انجام شده نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه مصاحبه با یک جامعه آماری ۲۵ نفره از معماران بومی جنوب خراسان با گفتگو انجام شده و پس از ضبط، این گفتگوها تبدیل به متن و فرآیند تحلیل برای آن‌ها صورت پذیرفته است. دسته دیگر گردآوری داده از طریق مشاهده و یا جستجو در منابع و اسناد تاریخی است که در حفاظت و مرمت می‌تواند مورد استفاده باشد. در این راستا نیز مطالعه انجام شده بر روی مسجد جامع اصفهان از این دو منبع برای یک مطالعه نظریه زمینه‌ای بهره برده است (عباسی هرفته، ۱۳۹۲).

-
1. Semi-structured Interview
 2. In-Depth Interview

۲-۳- رویه تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای در پی تحلیل یک فرآیند، بررسی چیزی جهت درک ماهیت و چیستی آن و نحوه‌ای است که آن کار می‌کند (کوربین و استراوس، ۲۰۰۸: ۱۱۶-۱۲۲). محقق می‌تواند برای انجام تحلیل موضوع تحلیل را به اجزای گوناگونش تقسیم کرده و سپس آن اجزا را به منظور شناسایی ویژگی‌ها و ابعادشان بررسی کند (همان، ۶۳). روند کلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای نیز به همین صورت و شامل فرآیند تدوین، تنظیم و بیان مفهوم یا معنی انبوهی از داده‌های جمع‌آوری شده است. این فرآیند که به صورت خطی انجام نمی‌پذیرد تلاشی در راه ابراز نظر کلی درباره روابط بین داده‌هاست که بنای یک تئوری را شالوده‌ریزی می‌کند (مارشال و راس‌من، ۱۹۹۵: ۱۵۵). هر یک از مراحل انجام نظریه زمینه‌ای ایجاب می‌کند که داده‌ها را کاهش داده و آن‌ها را به صورت مجموعه‌های قابل کنترل و اداره درآورد و همچنین با تفسیر داده‌ها به آن‌ها معنی داد. مراحل گوناگون پیشرفت و توسعه مفهومی یک نظریه زمینه‌ای شامل فعالیت‌های گدگذاری و مقوله‌بندی است (بیرکس و میلز، ۲۰۱۱: ۱۱۹). آن‌گونه که استراوس و کوربین (۱۹۹۰: ۵۷) اشاره می‌کنند گدگذاری و مقوله‌بندی نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد می‌شوند، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند؛ این روند بخش اصلی در روند انجام نظریه زمینه‌ای است.

البته بررسی مطالعات انجام شده پیرامون نظریه زمینه‌ای نشان می‌دهد که روند انجام یک پژوهش با این روش دارای تفاوت‌هایی هرچند مختصر هستند. آنچه در جدول شماره ۲ فراهم شده است نظر محققان در مراحل انجام یک نظریه زمینه‌ای از بُعد روند انجام را مرور کرده است. لازم است همان‌گونه که تمام محققان نظریه زمینه‌ای اشاره می‌کنند تأکید شود که حد فاصل بین انواع گدگذاری‌ها - که نام‌های متنوعی برای هر کدام از آن‌ها در جدول یادشده آمده است - تصنعی و غیرواقعی

هستند و هرکدام از آن‌ها الزاماً در مراحل جداگانه‌ای صورت نمی‌گیرند. از طرفی اگر نگاهی ظریف به تعاریف ارائه شده برای مراحل گوناگون توسط محققان شود، می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی‌های کلی‌تر و کامل‌تری قرار داد و همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد نگاهی متعادل برای آن‌ها مدنظر داشت. آنچه در ردیف هشتم جدول آمده است یک نگرش متأخر برای انجام نظریه زمینه‌ای است که توسط بیرکس و میلز^۱ ارائه شده (Birks and Mills, 2011) و به گونه‌ای دربرگیرنده نگرش‌های متفاوت محققان بوده است.

جدول ۲- مراحل تحلیل داده در روش نظریه زمینه‌ای از نظر محققان

ردیف	پژوهشگر (مرجع)	مراحل کُدگذاری و انجام تئوری داده بنیاد
۱	(Glaser and Strauss 1967)	۱- کُدگذاری و مقایسه رویدادها ۲- یکپارچه‌سازی مقوله‌ها ۳- تعیین حدود نظریه
۲	(Glaser 1978)	۱- کُدگذاری باز ۲- کُدگذاری انتخابی ۳- کُدگذاری نظری ^۴
۳	(Strauss and Corbin 1990) (استراوس و کوربین ۱۹۹۰)	۱- کُدگذاری باز ۲- کُدگذاری محوری ۳- کُدگذاری انتخابی
۴	(Strauss and Corbin 1998) (استراوس و کوربین ۱۹۹۸)	۱- کُدگذاری باز ۲- کُدگذاری محوری ۳- کُدگذاری انتخابی
۵	(Charmaz 2006)	۱- کُدگذاری اولیه ۲- کُدگذاری متمرکز شده ۳- کُدگذاری

1. Melanie Birks & Jane Mills
2. Open Coding
3. Selective Coding
4. Theoretical Coding
5. Axial Coding

نظری	(چارماز ۲۰۰۶)	
۱- کُدگذاری سطح اول ^۲ (باز) ۲- کُدگذاری سطح دوم ^۳ (طبقه‌بندی و خلاصه کردن کدها) ۳- کُدگذاری سطح سوم ^۴ (مضامین محوری) ۴- کُدگذاری نظری (گسترش و پردازش مفهوم) ^۵ ۵- متغیر محوری ^۶ (متغیر هسته‌ای)	(Speziale and Carpenter 2007) (اسپتسیاله و کارپنتر ۲۰۰۷)	۶
۱- کُدگذاری اولیه (مفاهیم اولیه) ۲- طبقه‌بندی و مرتبط کردن مفاهیم به یکدیگر (کُدگذاری محوری) ۳- شرایط زمینه ۴- شناسایی فرآیند (متناسب با ساختار) ۵- ترکیب و ارائه تئوری	(Corbin and Strauss 2008) (کوربین و استراوس ۲۰۰۸)	۷
۱- کُدگذاری اولیه ^۷ ۲- کُدگذاری میانی ^۸ ۳- کُدگذاری پیشرفته ^۹	(Birks and Mills 2011) (بیرکس و میلز ۲۰۱۱)	۸

۳-۳-۱- کُدگذاری اولیه و طبقه‌بندی داده‌ها:

کُدگذاری اولیه یا باز، اولین گام در جهت تحلیل داده‌هاست. این کُدگذاری شیوه‌ای برای شناسایی کلمات یا گروهی از کلمات مهم در داده‌ها است. در محیط طبیعی کدها، واژگان یا گروهی از واژگان مهمی هستند که از آن‌ها به‌عنوان برچسب‌هایی به هنگام طبقه‌بندی استفاده می‌شود. در مرحله کُدگذاری اولیه، تلاش برای یافتن واحدهای

1. Focused Coding
2. Substance Codes
3. Categorization
4. Basic Social-Psychological Identified
5. Concept Development
6. Core Variable
7. Initial Coding
8. Intermediate Coding
9. Advanced Coding

معنایی در متن و یا داده‌هاست که می‌توانند مفاهیم اولیه پژوهش را تشکیل دهند. از اصطلاحات گوناگونی برای توصیف این مرحله استفاده شده است که از نظر محققان نیز دارای تفاوت‌هایی است. به‌خصوص در اولین کتاب منتشرشده در نظریه زمینه‌ای زیاد به این مورد پرداخته نشده ولی در سال‌های بعد و بویژه در مطالعات استراوس و کوربین (1990) و همچنین چارماز (Charmaz, 2006) مفصلاً تشریح شده است. همان‌گونه که در جدول ۲ قابل مشاهده است این مرحله توسط گلیزر و استراوس (Glaser and Strauss, 1967) با عنوان کُدگذاری و مقایسه رویدادها، از نظر گلیزر (Glaser, 1978) و استراوس و کوربین (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۸) با عنوان کُدگذاری باز و از نظر چارماز (Charmaz, 2006) با عنوان کُدگذاری اولیه مورد بحث قرار گرفته است.

برای این کُدگذاری می‌توان از نرم‌افزارهایی نیز استفاده نمود. نرم‌افزارهایی که برای تحلیل داده‌های کیفی وجود دارند، با متون و زبان فارسی سازگارند، و در نظریه زمینه‌ای بیشتر مورد کاربرد هستند عبارت‌اند از: Nvivo، Atlas.Ti و Maxqda که هرکدام قابلیت‌ها و ابزارهای متنوعی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. این نرم‌افزارها خود تحلیل‌کننده داده‌ها نیستند و تنها به پژوهشگر کمک می‌کنند که فرآیند کُدگذاری را خیلی منظم‌تر انجام دهد و همچنین یادداشت‌ها^۱ را برای هر کُد یا مفهوم به راحتی اعمال نماید. در نتیجه فرآیند کُدگذاری و دسترسی به یادداشت‌ها بسیار آسان‌تر انجام می‌پذیرد. آنچه در تصویر شماره ۲ ارائه شده نمونه‌ای از کُدگذاری در نرم‌افزار Maxqda نسخه ۱۰ است که نگارنده در یک پژوهش از آن بهره گرفته است.



تصویر ۲- کُدگذاری اولیه در نرم‌افزار MaxQda

۲-۳-۳- کُدگذاری میانی:

دومین مرحله در تحلیل داده‌ها پس از کُدگذاری اولیه، کُدگذاری میانی است. محقق کُدگذاری میانی را به دو روش به‌کار می‌گیرد: نخست، برای توسعه مقوله‌های کاملاً مجزا از طریق پیوند زیر مقوله‌ها و توسعه کامل ویژگی‌ها و ابعاد مقوله‌ها؛ و دوم برای پیوند مقوله‌ها با یکدیگر. در کلیت کُدگذاری اولیه موجب گسست داده‌ها و کُدگذاری میانی دوباره داده‌ها را به طریقی انتزاعی‌تر از نظر مفهومی به هم پیوند می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۲ قابل‌مشاهده است این مرحله توسط گلیزر و استراوس (Glaser and Strauss, 1967) با عنوان یکپارچه‌سازی مقوله‌ها و ویژگی‌ها، از نظر گلیزر (Glaser, 1978)، کُدگذاری انتخابی؛ از نظر استراوس و کوربین (۱۹۹۰)؛ (۱۹۹۸) با عنوان کُدگذاری محوری و از نظر چارمز (Charmaz, 2006) با عنوان کُدگذاری متمرکز شده اشاره شده و درباره آن‌ها بحث شده است.

۳-۳-۳- کُدگذاری پیشرفته:

کُدگذاری پیشرفته در فرآیند یکپارچگی نظری، امری بسیار حیاتی است و یکی از دشوارترین مراحل نظریه زمینه‌ای، انجام صحیح و درست یکپارچگی نظری است. نظریه زمینه‌ای جامع و فراگیر است، زیرا به جای آن که یک پاسخ یک طرفه و خاص برای سؤال تحقیق فرض نماید، همه تغییرات و پراکندگی‌ها را لحاظ می‌کند. رویه‌های کُدگذاری پیشرفته از نظر محققان متفاوت است و همان‌گونه که در جدول ۲ قابل مشاهده است این مرحله توسط گلنزر و استراوس (Glaser and Strauss, 1967) با عنوان تعیین حدود نظریه، از نظر گلنزر (Glaser, 1978)، کُدگذاری نظری؛ از نظر استراوس و کوربین (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۸) با عنوان کُدگذاری انتخابی و از نظر چارمز (Charmaz, 2006) با عنوان کُدگذاری نظری اشاره شده و درباره آن‌ها بحث شده است.

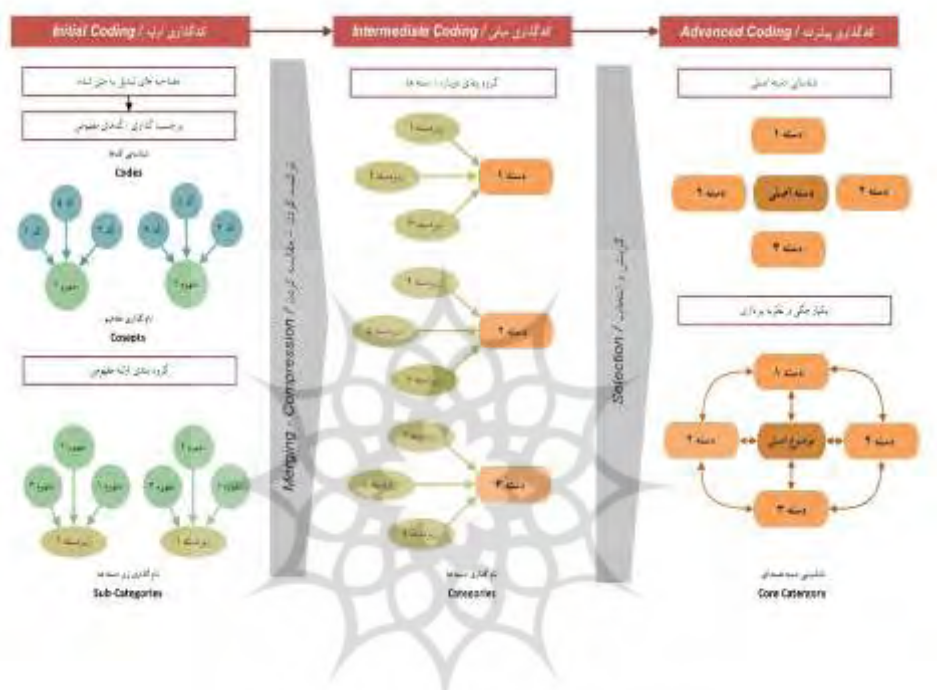
۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در اغلب پژوهش‌های کیفی حرکت از طرف مشاهدات و داده‌های اولیه به سمت انتزاع و مفاهیم است و مطمئناً روش نظریه زمینه‌ای به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی نیز از آن مستثنا نیست. از آنجا که در این روش، بیشتر بر مصاحبه‌های عمیق و درک تجارب و دانسته‌های حاصل تأکید می‌شود، پس در پژوهش‌های حفاظت و مرمت و بویژه مطالعات دانش بومی می‌توان از آن بهره گرفت. هدف اصلی در مطالعات دانش بومی، درک و فهم پیچیدگی‌های ناشناخته جوامع سنتی و ارزش‌های سنتی است. از این رو برای درک، تفسیر و تحلیل داشته‌های گذشته می‌توان از این روش بهره برد؛ چرا که بخش مهمی از فعالیت‌های حفاظتی و مرمتی در قالب سنت‌ها، عادت‌ها و رسوم پیوسته با معماری ذیل مفهوم میراث قرار می‌گیرند. همانطور که اشاره شد اگر این داشته‌های باارزش گذشته را میراث بومی بنامیم، می‌توان با کشف آن‌ها در گذشته معماری ایران در جهت شناخت، درک، حفاظت و معرفی آن‌ها با این روش تلاش نمود؛ چرا که بخش مهمی از پایه‌های علم حفاظت و مرمت در میراث گذشته آن نهفته است.

همان‌طور که اشاره شد علاوه بر مباحث نظری در مباحث عملی نیز این موضوع می‌تواند مدنظر باشد. در کل از نظریه زمینه‌ای می‌توان برای بررسی نظرات متخصصان و با تجربه‌ها، مبانی نظری حفاظت و مرمت، بررسی فرآیند در حفاظت و مرمت و مبانی نظری مرتبط با آن‌ها و همچنین بهره‌گیری از تجربیات گذشته، برای امروز بهره برد؛ موضوعاتی که هرکدام ضرورت‌هایشان در حفاظت و مرمت به چشم آمده و دانش بومی پاسخگوی خوبی برای آن‌هاست. این موارد از یک طرف در راستای تدوین مبانی نظری بومی حفاظت و از طرف دیگر در راستای افزودن مفاهیم و مبانی تازه به حوزه دانش حفاظت و مرمت می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

در نهایت می‌توان اشاره نمود که در این پژوهش هدف این بوده که با معرفی و نشان دادن جنبه‌های کاربردی نظریه زمینه‌ای و همچنین نمونه‌های مختصری از مطالعات انجام شده در این حوزه بتوان به رواج بیشتر آن کمک نمود. نظریه زمینه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک روش ارائه‌دهنده نظر، درک و فهم در حوزه‌های معماری و حفاظت کارا باشد و به‌عنوان رویکردی در مطالعات کیفی حفاظت و مرمت مورد توجه محققان قرار گیرد. بویژه به دلیل ضعف مبانی و دانش موجود در این حوزه و کاستی‌های آن، به‌کارگیری آن در جامعه امروزی مفید خواهد بود. همچنین با توجه به این که گرایش‌های متنوع نظریه زمینه‌ای مدنظر قرار گرفت ولی به نظر می‌رسد نگاه استراوس و کوربین همخوانی بهتری با حوزه حفاظت و مرمت داشته و کاربردی‌تر می‌باشد. بنابراین مراحل کلی نظریه زمینه‌ای به ترتیب انجام بدین صورت می‌تواند تنظیم شوند: ۱) مطالعه پیشینه و ادبیات تحقیق جهت دریافت حساسیت نظری، ۲) نمونه‌گیری نظری، ۳) گردآوری داده‌ها (حاصل از مصاحبه یا مشاهدات و منابع دانش بومی)، ۴) آغاز کُدگذاری و تحلیل همزمان با جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری و ۵) استخراج نظریه یا مدل زمینه‌ای حاصل. در نهایت نیز باید با بررسی نظری در منابع حوزه مورد تحقیق (منابع و متون تخصصی و یا خبرگان حفاظت و مرمت) و یا بررسی تکمیلی با افراد مصاحبه‌شونده این موارد اعتبار سنجی شده و به‌گونه‌ای تایید

شوند. مراحل کلی دستیابی به نظریه زمینه‌ای به‌طور خیلی ملموس در تصویر شماره ۳ ارائه شده است.



تصویر ۳- مراحل تحلیل داده در روش نظریه زمینه‌ای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

— اسپتسیاله، هلن استروبرت؛ دانا رینالدی کارپنتر. (۲۰۰۷). *تحقیقات کیفی در پرستاری: پیشرفت در زمینه ویژگی‌های انسانی*. ترجمه: آلیس خاچیان و مصطفی شوکتی احمدآباد. ۱۳۸۹. تهران: سالمی.

کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با ... ۱۷۱

- استراوس، انسلم آل؛ جولیت ام کوربین. (۱۹۹۰)، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه: بیوک محمدی. ۱۳۹۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- _____ (۱۹۹۸)، *مبنایی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه: ابراهیم افشار. ۱۳۹۲. تهران: نشر نی.

- استربرگ، کریستین جی. (۲۰۰۲)، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*. ترجمه: احمد پوراحمد و علی شماعتی. ۱۳۸۴. یزد: دانشگاه یزد.

- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۴)، "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شوراهای اسلامی شهر در توسعه محلی." *رساله دکتری*، تهران: دانشگاه تهران.

- بوذرجمهری، خدیجه. (۱۳۸۲)، "جایگاه دانش بومی در توسعه روستایی پایدار." *جغرافیا و توسعه*، ش ۲.

- بازرگان، عباس. (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: دیدار.

- بیرکس، ملانی؛ جین الیزابت میلز. (۲۰۱۱)، *تحقیق مبنایی: راهنمای عملی ویراسته هانیه شمس کلاهی*. ترجمه: سیدمحمد اعرابی و عباداله بانسی. ۱۳۹۳. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- پیشوا یزدی، محمد. (۱۳۹۰)، *روایت بنایی تا استادکاری: خاطرات استاد معمار محمد پیشوا یزدی*. تهران: علم معمار رویال.

- جلالی، رستم. (۱۳۹۱)، "نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی." *تحقیقات کیفی در علوم سلامت* ۱ (۴): ۳۱۰.

- چارماز، کتی. (۲۰۰۶)، *ساختن نظریه مبنایی: راهنمای عملی برای تحلیل کیفی*. ترجمه: مهزیار کاظمی موحد و مهسیما کاظمی موحد. ۱۳۹۰. تهران: رسا.

- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- روحانی، وثوق؛ فرزین فردانش، مترجمین. (۱۳۸۸)، *پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس*. تهران: دفتر منطقه ای یونسکو در تهران.
- رحیم نیا، رضا؛ امین محمودزاده؛ فرهاد تهرانی؛ علی زمانی‌فرد. (۱۳۹۲)، "بازشناخت تجربیات معماری بومی در جنوب خراسان، جهت حفاظت و مرمت معماری خشتی." *مسکن و محیط روستا*، ۳۲، ش ۱۴۲.
- سمساریزدی، علی‌اصغر گردآورنده؛ عبدالعظیم پویا. (۱۳۸۳)، *تدوین تجربیات خبرگان قنات*. تهران: سازمان مدیریت منابع آب ایران: مهندسین مشاور ستیران؛ یزد: شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد.
- عباسی هرفته، محسن. (۱۳۹۲)، "تبیین سنت حفاظت در مسجد جامع اصفهان، انشا اصول مداخلات حفاظتی با تکیه بر شواهد سنت مداخله در این مسجد." *رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی*، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- عمادی، محمدحسین؛ اسفندیار عباسی. (۱۳۷۸)، *حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار*. سلسله انتشارات روستا و توسعه. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- فلیک، اووه. (۲۰۰۶)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه: هادی جلیلی. ۱۳۹۰. تهران: نشر نی.
- کوربین، جولیت ام؛ انسلم آل استراوس. (۲۰۰۸)، *اصول تحقیق کیفی - شیوه‌ها و رویه‌ها گراندد تئوری*. ترجمه: ناهید دهقان نیری، علی فخر موحدی، مریم اسماعیلی، تابنده صادقی، و زهرا طیبی. ۱۳۹۱. تهران: اندیشه رفیع.
- گروت، لیندا؛ دیوید وانگ. (۲۰۰۲)، *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه: علیرضا عینی‌فر. ۱۳۸۸. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.

کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با ... ۱۷۳

- لک، آزاده. (۱۳۹۳)، "کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری." *صفحه*، ش ۶۴.

- لک، آزاده. (۱۳۹۴)، "زلزله بم و درک معنایی ساکنان محلات مسکونی از اختلال در دل‌بستگی به مکان." *مسکن و محیط روستا*، شماره ۳۴.

- لک، آزاده؛ اشکان غلامپور. (۱۳۹۴)، "درک معنای «حس مکان» در بازسازی مسکونی بم (نمونه موردی: مجموعه مسکونی نرگس)." *مسکن و محیط روستا* شماره ۳۴.

- مارشال، کاترین؛ گرچن بی راس‌من. (۱۹۹۵)، *روش تحقیق کیفی*. ترجمه: علی پارسایان و سیدمحمد اعرابی. ۱۳۷۷. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶)، "گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟". اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- مهرابی، امیر حمزه؛ حسین خنیفر؛ علی نقی امیری؛ حسن زارعی متین؛ غلام رضا جندقی. (۱۳۹۰)، "معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی ارائه یک نمونه." *مدیریت فرهنگ سازمانی*، شماره ۹.

- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۰)، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

- هزار جریبی، جعفر؛ رضا صفری شالی. (۱۳۹۰)، "کاربست نظریه بنیانی در شناخت دانش بومی." *دانش‌های بومی*، ش ۱.

- یوکیلهتو، یوکا. (۲۰۰۲)، *تاریخ حفاظت معماری*. ترجمه: محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. ۱۳۸۷. تهران: روزنه.

- Birks, Melanie, and Jane Mills. (2011). *Grounded theory: a practical guide*. Los Angeles, Calif.: Sage.

- Bowers, Barbara, and Leonard Schatzman. (2009). "Dimensional analysis." *Developing grounded theory: The second generation*:86-126.
- Charmaz, Kathy. (2000). *Grounded Theory in eds. Denzin, NK & Lincoln, YS Handbook of Qualitative Research*. London: Sage.
- Charmaz, Kathy. (2006). "Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative research." *Sage Publications Ltd, London*.
- Clarke, Adele. (2005). *Situational analysis: Grounded theory after the postmodern turn*: Sage.
- Corbin, Juliet, and Anselm Strauss. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*.
- Daengbuppha, Jaruwat, Nigel Hemmington, and Keith Wilkes. (2006). Using grounded theory to model visitor experiences at heritage sites: Methodological and practical issues." *Qualitative Market Research: An International Journal* no. 9 (4):367-388.
- Glaser, Barney G. (1978). *Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory*: Sociology Pr.
- Glaser, Barney G. (1992). *Emergence vs forcing: Basics of grounded theory analysis*: Sociology Press.
- Glaser, Barney G. (1995). *Grounded theory, 1984-1994*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Glaser, Barney G., and Anselm L Strauss. (1967). *The discovery of grounded theory: strategies for qualitative research*. Chicago: Aldine Pub. Co.
- ICOMOS. (1993). *ICOMOS New Zealand charter for the conservation of places of cultural heritage value*. Auckland, N.Z.: ICOMOS New Zealand.

- ICOMOS. (1999). Charter on the built vernacular heritage. Paper read at Icomos 12th General Assembly, at Mexico.
- ICOMOS. (2003). *Principles for the analysis, conservation and structural restoration of architectural heritage*. Paper read at Icomos 14th general assembly in Victoria falls, at Zimbabwe.
- Jones, Michael, and Irit Alony. (2011). "*Guiding the use of Grounded Theory in Doctoral studies—an example from the Australian film industry*".
- Morse, Janice M, Phyllis N Stern, Juliet Corbin, Barbara Bowers, Adele E Clarke, and Kathy Charmaz. (2009). *Developing grounded theory: The second generation* (developing qualitative inquiry).
- Speziale, Helen Streubert, and Dona Rinaldi Carpenter. (2007). *Qualitative research in nursing: advancing the humanistic imperative*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Strauss, Anselm, and Juliet Corbin. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*.
- Strauss, Anselm, and Juliet Corbin. (1997). *Grounded theory in practice*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Strauss, Anselm, and Juliet Corbin. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی